

روزنوشتهای یک مدیر تغییر ساعتی



کارتون: محمدعلی راجی

همیشه روزهای آغازین سال جدید، یادآور دو چیز است: بازگشت بهار و دعوای سر تغییر ساعت! چند سالی که تغییر ساعت تابستانی قانون بود و از دست کشمکش های بین دولت ها و مجلس ها راحت بودیم. این یکی دو سال هم قانونش را برعکس کرده اند و باز هم بحث و جدل ها آرام گرفته است. ولی این روزها که کفگیر برقی به ته دیگ خورده است، باز موافقان و مخالفان تغییر ساعت به جان هم افتاده اند و هر لحظه ممکن است یک بلایی سر ساعت ها بیاورند. برای آگاهی از چند و چون ماجرا، طبق معمول به دفتر خاطرات یک مدیر ساعتی مراجعه کرده ایم.

چی به چی است؟

دیوانه شدم! از بس هر دولت و مجلسی که سر کار آمد، یک سیخی به ساعت زد. مردم فکر می کنند ما از دل خوشمان است که مدام ساعت ها را تغییر می دهیم یا ثابت می کنیم. نه خیر. خودمان هم گیج شده ایم که کدام به صلاح است.

یک ساعت کم است

امروز توانیر اعلام کرد که با تغییر ساعت به اندازه یک نیروگاه اتمی یا همچنین چیزی صرفه جویی می شود. خب اگر این طور است که همین الان ساعت ها را نه یک ساعت، که حتی دوسه ساعت عقب و جلو کنیم تا بیشتر صرفه جویی شود.

مردم اوف می شوند

باز یک کارشناس گفته است که تغییر ساعت باعث تأثیر منفی در خواب و خوراک مردم می شود. خوب شد ساعت ها را عقب نکشیدیم که خدای نکرده رژیم غذایی و عادت خوابی

مردم خوبمان به هم نخورد. به اندازه کافی این عزیزان دل بد خواب و بد خوراک هستند. پس دست نزنیم.

زور بکشید...

شنیدم رئیس سازمان اداری و استخدامی گفته است اختیار جابه جایی ساعت رسمی کشور را از مجلس درخواست کرده ایم. چون جابه جایی ساعت رسمی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ مگاوات صرفه جویی برق را به ارمغان می آورد. خب اینکه خیلی خوب است. همین الان بخش نامه می کنیم که بکشند جلو. بدوین بکشین.

هرچی پروفیسور بگوید

یکی از نمایندگان مخالف تغییر ساعت برایم

متنی در واتساپ فرستاد که پروفیسور هاشیموتو تانا کورای ژاپنی گفته است تغییر ساعت در طول سال باعث می شود تصادفات جاده ای بیشتر شود و آب دریا پسروی کند. نه که خیلی آمار تصادفات هائیمان کم است و آب هم زیاد داریم، که باز این موضوع هم بهانه شود. لازم نکرده است، به ساعت ها کار نداریم.

بیا! خوب شد؟

سخنگوی دولت گفته هرطور شده است دولت می خواهد ساعت را عوض کنیم، چون واقعا برقی نمانده است که به مردم بدهیم. عجب وضعی شده است! باید هرطور شده است ساعت ها را جلو بکشیم. ای وای... بیا! این قدر ساعت ها را عقب و جلو کردیم که از روی طاقچه افتاد. بی ساعت شدیم. همین را می خواستید؟

صفحه ۵

۳۰ فروردین ۱۴۰۴

شماره ۱۳۵



شرکت کردن توی جلسه ساختمان واجبه. البته بعدش هم زنگ زدن به مدیر ساختمان برای گزارش «یه مورد کوچیک که نمی خواستم جلوی بقیه بگم، فقط جهت اطلاع...» هم مستحبه!



معلومه که پارک کردن ماشین جلو پارکینگ عمومی ساختمان یه اتفاق طبیعییه. در اصل خیلی هم نشونه با فرهنگیه؛ تازه وقتی شماره هم گذاشتین روی داشبورد!



بچه رو باید آزاد گذاشت؛ حالا می خواد مثل نینجا توی خونه از مبل پیره روی زمین یا هرکار دیگه ای، فرقی نداره. بچه ست دیگه، باید انرژی ش تخلیه بشه!



ار باید هر روز راهرو رو طی بکشه. د شیرابه زباله ها که نباید روی آسانسور بمونه! زباله هم جاش ر خونه ست، نه توی سطل زباله چه!